

کوتاه دبیلماسی

پرونده تعرض به سفارت عربستان اوایل بهمن در دادگاه تجدیدنظر

● **ایسا:** وکیل مدافع یکی از متهمان پرونده تعرض به سفارت عربستان گفت: پرونده اوایل بهمن به دادگاه تجدیدنظر ارسال می‌شود. مصطفی شعبانی گفت: از مجموع ۲۰۰ متهم این پرونده، حکم یکی از متهمان به صورت غیابی صادر شده بود که آن فرد تقاضای واخواهی کرد. اکنون دادگاه رای را صادر کرده و این متهم ۲۰ روز برای اعتراض فرصت دارد. تقریبا پرونده تکمیل شده و اوایل بهمن به دادگاه تجدیدنظر ارسال می‌شود. ۲۸ و ۲۹ تیر سال جاری، دو جلسه دادگاه درباره رسیدگی به اتهامات ۲۰ نفر از متهمان پرونده تعرض به سفارت عربستان در شعبه ۱۰۶۰ کیفری ۲ مجتمع قضائی کارکنان دولت به ریاست قاضی فرشید دهقانی برگزار شد که برخی از متهمان تیرنه، برخی دیگر به حبس‌های تعلیقی و برخی نیز به حبس‌های سه و شش‌ماهه محکوم شدند.

اتهام جدید بحرین علیه ایران

● **فارس:** وزارت کشور بحرین، جمهوری اسلامی ایران را به دست‌داشتن در حمله مسلحانه به زندان «جو» در این کشور متهم کرد. آنها مدعی ارتباط مستقیم ایران با اتفاقاتی در این کشور شده‌اند که مناسه آن را «توربستی» توصیف می‌کند. بنا بر ادعای مسئولان بحرین، زندان «جو» روز یکشنبه هدف حمله افراد مسلح ناشناسی قرار گرفت که در این حمله، یک نگهبان زندان کشته شد و ۱۰ نفر از زندانیان نیز فرار کردند. وزارت کشور بحرین دراین‌باره در صفحه توئیتر خود ضمن متهم‌کردن ایران به دست‌داشتن در این حمله، مدعی شد «کانال تلویزیونی «اهل البیت» عراق که از سوی ایران حمایت مالی می‌شود، حمله به کانون اصلاح و بازپروری در منطقه جو را موفق خوانده است و همین امر نشان‌دهنده حمایت ایران و ارتباط مستقیم آن با عملیات‌های تروریستی و دخالت این کشور در امور داخلی بحرین است». وزارت کشور بحرین همچنین اعلام کرد حوالی ساعت ۵:۳۰ صبح روز یکشنبه (به وقت محلی) یک گروه متشکل از چهار یا پنج نفر، با استفاده از اسلحه‌های خودکار و مسلسل، به کانون اصلاح و بازپروری در جو حمله کردند که در این حمله عبدالسلام سیف احمد، از نگهبانان زندان، به قتل رسید و یک نفر دیگر نیز زخمی شد و ۱۰ نفر از زندانیان «مرتبط با پرونده‌های تروریستی» از زندان فرار کردند.

راه‌اندازی بانک اطلاعات اقتصادی وزارت امور خارجه

● **ایرنا:** قائم‌مقام وزیر امور خارجه از طراحی و آماده‌سازی بانک اطلاعات اقتصادی وزارت امور خارجه و راه‌اندازی آن تا پایان سال جاری خبر داد. مرتضی سرمدی تأکید کرد، با راه‌اندازی این بانک اطلاعاتی دو هدف توسعه همکاری‌های اقتصادی با کشورهای مختلف جهان و برقراری تماس لحظه‌ای با شرکت‌های خارجی به نظر قرار گرفته‌است. وی افزود: اطلاعات اقتصادی همه کشورهای جهان در این بانک برای همه فعالان اقتصادی کشور به سهولت امکان دسترسی خواهد داشت. قائم‌مقام وزیر امورخارجه ایران افزود: این بانک مهم‌ترین قطب (هاب) ارتباطی فعالان اقتصادی ایران خواهد بود که از طریق ۱۴۰ سفارت و کنسولگری ایران در خارج از کشور، می‌تواند به اطلاعات مورد نیاز خود در هر کشوری دست پیدا کنند. قائم‌مقام وزیر امورخارجه ایران ابراز امیدواری کرد این بانک اطلاعاتی تا پایان امسال به بهره‌برداری برسد.

لزم احضار سفیر استرالیا واعلام اعتراض رسمی

● **خانه ملت:** غلامعلی جعفرزاده‌ایم‌آبادی، نماینده رشت، ضمن تقبیح رویکرد غیرانسانی استرالیا در برخورد با مهاجران گفت: شهروندان ایرانی در هر نقطه‌ای از جهان تحت پوشش حمایت حقوقی و معنوی جمهوری اسلامی هستند. او افزود: کشور‌های مدعی با ادعای دفاع از آزادی بیان و حقوق بشر خود را محق به دخالت در امور داخلی کشور‌های دیگر می‌دانند اما در مورد شکنجه، حبس و اقامات غیرانسانی دولت استرالیا علیه مهاجران سکوت کردند. او در ادامه افزود: متأسفانه تصاویر دردناکی از ضرب‌وشتم دو شهروند ایرانی محبوس در اردوگاه مانوس پای‌آوآکینه‌نو در شب کریسمس منتشر شده و براساس خبر‌های موجود، این عزیزان با وجود جراحات، تانکون از مراقبت‌های پزشکی محروم بوده‌اند. جعفرزاده‌ایمن‌آبادی گفت: اشتباه تعدادی از شهروندان ایرانی در تلاش برای مهاجرات به استرالیا منجر به خروج آنها از چتر حمایتی کنسولی ایران از آنها نمی‌شود و ما ملزم به پیگیری سرنوشت شهروندان ایرانی هستیم. او با مخاطب قراردادن وزارت امور خارجه کشورمان گفت: احضار سفیر استرالیا و پیگیری سریع‌تر وضعیت شهروندان ایرانی محبوس در اردوگاه مانوس باید هرچه سریع‌تر انجام شود تا از تکرار ضرب‌وشتم یا حتی مرگ شهروندان ایرانی جلوگیری شود. این نماینده مجلس دهم تأکید کرد: هرگونه کوتاهی در پیگیری سرنوشت شهروندان ایرانی محبوس در اردوگاه مانوس منجر به تشدید اقدامات خشونت‌آمیز علیه هموطنان ما خواهد شد.

ادامه از صفحه ۶

و وزارت مسکن و شهرسازی آن را تملک کرده بود گفت که در دیوان عدالت اقامه دعوا کرده و دیوان حکم بازگشت این ملک را به او می‌دهد؛ قرائن هم این را نشان می‌داد. در نتیجه این ملک را که قبلا در رهن بانک قرار داده بود، در قبال یک میلیارد تومان با باقی‌مانده بدهی‌های خود در اختیار بانک گذاشت. از طرف دیگر به‌واسطه دو نفر از برج‌سازان و با توافقی که با بانک کردند، ساختمان برج نیمه‌کاره خود را در فرمانیه در قبال ۲۱ میلیارد ریال به بانک منتقل کردند. شش میلیارد ریال را دریافت و ۱۵ میلیارد ریال آن بابت بدهی‌های فاضل در پرونده کیفری تهاتر شد و باقی‌مانده بدهت او با خسارات تا آن تاریخ ۱۰ میلیارد ریال شد. پس از اینکه این ملک در بهمن ماه ۱۳۷۳ به بانک منتقل شد و دیگر مال قابل انتقالی نبود، بازپرسی هم فاضل و هم کارمند و رئیس و معاون شعبه را با قرار ۱۲۳ میلیارد تومان وثیقه بازداشت کرد. در همان روزها قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در تهران اجرا شد. رئیس کل دادگستری وقت تهران هم پرونده را به آقای محسنی‌آزاه‌ای که گویا از قبل در جریان این پرونده بود، ارجاع داد و او به عنوان قاضی ویژه انتخاب شد. در کل اینکه گفته شده آقای فاضل خداداد به خاطر مسائل اخلاقی اعدام شده است یا تمام بدهی‌های خود را به بانک در پرونده کیفری پرداخت کرده است، واقعیت ندارد. زیرا من در جریان کل آن مسائل بودم. از این گفتار‌ها در مصاحبه‌ها بعضی از مدعیان خرید املاک فاضل استفاده می‌کنند.

● **شرکت‌های مضارب‌های چگونه به این پرونده گره خوردند؟** موضوع فاضل خداداد هیچ‌گونه ارتباطی با شرکت‌های مضارب‌ای مانند سحر، الیکا و... نداشت. ● **در آن شرکت‌ها سهام نداشت؟** درباره سهام‌داربودن او اطلاع ندارم، در کل پرونده چنین چیزی مطرح نبود. زیرا بعد از اینکه پرونده به شعبه ۳ دادگاه انقلاب ارجاع شد، قاضی تحقیق با نظارت رئیس شعبه همه ناگفته‌ها را از فاضل گرفت که فعلا باید بسازی از آن را انگفته بگذارم.

● **در نهایت چقدر از اموال بانک صادرات سوخت شد؟**

یک‌میلیارد تومان از اصل و خسارات پرونده ۱۲۳ میلیاردی باقی مانده است که بابت آن ملک خیابان فرشته به بانک واگذار شده است. ولی آن ملک معارض دارد. هر‌چند در دیوان عدالت اداری حکم به ابطال اقدامات وزارت مسکن صادر شده است. ولی ادعا می‌شود این وزارتخانه در دوره مالکیت خود، ملک را برای تکمیل به شرکئی واگذار کرده و این شرکت مدعی است. همچنین خود خانواده خداداد هم نه رسماً، ولی از طرق دیگر ظاهراً مدعی‌اند. ما درخواست تنظیم سند این ملک به نام بانک صادرات را کردیم که متأسفانه سند صدور احکام متعارض این موضوع رد شد و ما تقاضای اعمال ماده ۱۸ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب را کردیم. آیت‌الله‌آملی‌لاریجانی موافقت کردند که این باید اعاده دادرسی شود.

● **یعنی تکلیف ملک فرشته بعد از دو دهه هنوز مشخص نشده است؟! الان در اختیار کسی است؟**

خیر، چون این ملک قبلا در اختیار وزارت مسکن و شهرسازی بود، اما باوجود اینکه دیوان عدالت اداری در مرحله بدوی و تجدیدنظر تملک آن وزارت مسکن و شهرسازی را باطل اعلام کرده، وزارت مسکن و شهرسازی همچنان مدعی است. و الان هم در طبقه همکف این ملک مغازه‌هایی است که فاضل خداداد بدون اجازه اولیه بانک صادرات به افراد مختلف واگذار کرده بود که همین طور نقل‌وانتقال هم می‌شود.

● **یعنی ۲۰ سال است که معارضه سر یک ساختمان ادامه دارد! خب این استخوان لای زخم را تشدید می‌کند، با توجه به ارزش دلار در سال ۱۳۸۴ فکر کنم حداقل یک میلیارد دلار سوخت شده.**

البته یک میلیارد تومان آن زمان معادل ۱۰ میلیون دلار بود نه یک میلیارد دلار...

● **۱۰ میلیون دلار اینجا و هشت میلیون دلار هم که گفتید قبلا از کشور خارج شده بود.**

خیر، جمعا همین یک میلیارد تومان باقی‌مانده و بابت آن تمام حقوق مالکانه و منافع ملک به بانک صلح شده است. ما مقصد پول‌های اختلاس شده و به‌خارج‌رفته را پیدا نکردیم. حدس می‌زنیم در آمریکا باشد و می‌دانیم حداقل یک‌میلیون دلار یا کمی بالاتر از آن به شخص خاصی پرداخت شده است. ولی از کل وجوه اختلاس‌شده فقط همین یک میلیارد تومان مانده و انتظار داریم ریاست محترم قوه قضایی تکلیف آن را روشن کند. ۲۸ دی‌ماه، سه سال است که این پرونده برای اجرای درخواست اعمال ماده ۱۸ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب به معاونت قضائی قوه قضائیه رفته است. امیدوارم دراین‌باره تصمیمی شایسته به‌نفع بانک که دولتی بود و اکنون هم با توجه به سهام عدالت و تصدی آن از سوی دولت، دولتی محسوب می‌شود صورت گیرد.

● **منظور‌تان از «شخص خاص» هسان خان هنریشه فیلم‌های تبلیغاتی پیش از انقلاب است؟**

بلی.

● **یک دهه بعد هم در دهه ۸۰، پرونده مه‌آفرید خسوی را داریم.**

من درباره این پرونده اطلاعات دقیقی ندارم، ولی می‌دانم املاک و اموال زیادی داشت که در روزنامه‌ها آگهی مزایده می‌کردند و می‌فروختند. مهم‌ترین مسئله که درباره ایشان وجود داشت این بود که مه‌آفرید خسروی، فرد کارآفرینی بود. این فرد کارخانه و شرکت‌های خدماتی متعدد و تعداد زیادی کارگر

سیاست



عکس: ابوالفضل باهنر، میزان

بابک زنجانی‌راه فاضل خداداد را می‌رود؟

داشت، ولی در مسئله فاضل خداداد نه‌تنها کسی را به کار نگرفته بودند، بلکه بعضی از اموال هم از ایران خارج شده است. در هر صورت فساد مالی به هر شکل - به‌ویژه اگر سیستمی شود - برای کشور خطرناک است.

● **و حالا کشور با پدیده بابک زنجانی دست‌به‌گریبان است. البته این پدیده با قبلی‌ها یک تفاوت ماهوی دارد. به این فرد رسماً مجوز داده‌اند که نفت بفروشد، او نفت را برد، ولی پولی وارد کشور نشد، انکار فساد به شکل دیگری در حال رخ‌دادن است.**

ناگفته نماند که در این فاصله، از پرونده‌های آقایان خداداد، رفیق‌دوست و مه‌آفرید خسروی، پرونده‌های سنگین دیگری نیز تشکیل شد؛ برای مثال پرونده آقای م- ک در بانک صادرات که تخصص او در جعل مدارک مقامات بود که رسیدگی شد یا پرونده‌ای به نام «برج‌سازان» که در ارتباط با پرونده فاضل خداداد در بانک صادرات به‌وجود آمد. این افراد با مجازات‌های حبس سنگین محکوم شدند. اینها هرچند تا پایان مدت حبس در زندان نماندند و کسی هم که به حبس ابد محکوم شده بود بعد از ششالی هفته سال آزاد شد، ولی به‌رحال اینها هم پرونده‌های سنگینی بودند و حداقل رسیدگی شدند. آنها از عفو و گذشت بهره‌مند می‌شوند.

اگر به سوابق هر یک از آنها نگاه کنیم می‌بینیم اینها با پشت‌گرمی به افراد ذی‌نفوذ مرتب‌ان این جرائم شده‌اند. هرکسی هم نمی‌تواند مثل آقای زنجانی در آن سطح کلان نفت ببرد و پول نیاورد. در نتیجه محاکمه و اعدام او فایده‌ای برای متضرر (خرانه ملی) ندارد. در پرونده فاضل خداداد، او با شروع جنگ تحمیلی از ایران خارج شده و با پایان جنگ به ایران برگشت و برای پرونده‌های اموالش با افراد ذی‌نفوذ مراجعه کرد که اشخاص متنفذ متعدد دستش را گرفتند، ولی او ناسپاسی و دست در جیب مردم و بیت‌المال کرد. او محاکمه شد ولی کسی به ذی‌نفوذان نگفت چرا به این فرد کمک کردید؟! بانک زنجانی هم به همین صورت است. اگر همراهی کاتالیزورها نباشد، بسیاری از پرونده‌های فساد به وجود نمی‌آیند. افزون بر این در بسیاری از موارد آنچه مقامات و مراجع قضائی و سیاسی و نمایندگان جرم می‌دانند، در مؤسسات مالی جرم تلقی نمی‌کنند و دودانگسی این دو رویکرد به موضوع موجب می‌شود به جای رشه‌کئی فساد، مسئله جدی تلقی نشود و سال به سال این‌گونه جرائم مالی بیشتر می‌شود. همچنین در دستگاه حاکمیت است. مسائل فساد اساساً برملا نمی‌شود.

● **با نظر شما به عنوان یک وکیل با تجربه این پول نفت واگذاری به بابک زنجانی کجا رفته است؟ الان با فردی مواجه هستیم که زیر حکم اعدام است ولی ظاهراً از این بابت چندان نگران نیست، چون همچنان پول‌ها را برنمی‌گرداند.**

من فکر می‌کنم افرادی که زمینه واگذاری نفت را به بابک زنجانی فراهم کردند و بابت برگشت مابازای آن از او تضمین لازم نگرفته‌اند، باید پاسخگو باشند. وقتی بابک زنجانی صحبت می‌کند، هر انسان غیرمتخصصی هم می‌تواند تشخیص دهد که او اهل این کار نیست. او امیدوار است کاتالیزورها و او را از چوبه در نجات دهند.

● **بر اساس قانون، زمان بین تأیید حکم در دیوان و اجرای آن چقدر است؟** به محض اینکه حکم قطعی شود، قابلیت اجرائی دارد. به نظر من پول مقصوده در اختیار بابک زنجانی نیست و فکر نمی‌کردن. کاتالیزورها در پرونده بابک زنجانی و امثال آن در پرونده‌های فساد ۱۰ سال گذشته نسبت به دهه ۷۰ از لحاظ کمی و کیفی فرق دارند و خیلی مؤثرتر عمل می‌کنند.

● **اگر بخوایم مقایسه کنیم، الان سه‌ونیم میلیارد دلار از بابک زنجانی طلب داریم اما زمان فاضل خداداد این بدهی ۱۰ میلیون دلار بود، یعنی فساد حدود ۳۵۰ برابر شده. چه اتفاقی افتاده است؟**

در فساد دهه ۷۰ که این مسائل به این شدت وجود نداشت، دستگاه‌های خیلی نسبت به آن حساس بودند. در سال ۱۳۷۱ که ماجرای فاضل خداداد علنی شد، بلافاصله موضوع به سه ارگان بانک مرکزی، وزارت دارایی و وزارت اطلاعات اطلاع داده شد. آنها هماهنگ

را بفروشد و در شرایط تحریم بود. آقایان باید توجه می‌کردند که فروش مواد سوختی یا نفت به وسیله بابک زنجانی یا شرکت‌های کوچک وابسته به او، امکان‌پذیر نیست. باید کسانی را محاکمه کرد که بدون اینکه این وضعیت را پیش‌بینی کنند، این امکان را برای بابک زنجانی فراهم کردند. در حوالی سال ۱۳۶۶، شعبه بانک صادرات در لندن می‌خواست ۲۰ میلیون دلار تسهیلات به یک شرکت اسپانیایی بدهد، مسئولان بانک هیچ دقتی روی این مسئله نکرده بودند که سرمایه‌گذاری ۲۰ میلیون‌دلاری آن زمان در اسپانیا مشکل ایجاد می‌کند. مشاور حقوقی شعبه که یک فرد انگلیسی بود، این مسئله را بررسی کرد و گفت شما نباید روی زمین در اسپانیا سرمایه‌گذاری کنید؛ چون تنها پولی که بعداً می‌توانید خارج کنید سرمایه اولیه است و سود ملک را نمی‌توانید خارج کنید. اگر درباره بابک زنجانی هم با افراد آگاه و مشاوران داخلی و خارجی مشورت می‌کردند، این اتفاق نمی‌افتاد.

● **پیش از این ادعا می‌شد بابک زنجانی آدم بسیار باهوشی است. اما این آدم به ظاهر باهوش، حالا دست روی دست گذاشته و با اینکه مسئولان بارها گفته‌اند برگرداندن پول در تخفیف مجازاتش مؤثر است، هیچ کاری برای نجات خود نمی‌کند. حتی آقای ازه‌ای گفت امکاناتی مثل تلفن در اختیار او نمی‌گذاریم که پول‌ها را برگرداند، اما او هیچ کاری نمی‌کند. زنجانی منظر فرشته نجات است؟**

من فکر می‌کنم بابک زنجانی دلش به فرد یا افرادی خوش است که ما به آنها کاتالیزور می‌گوییم؛ و الا جان انسان از هر چیزی مهم‌تر است. به نظر می‌رسد زنجانی یا نمی‌داند اعدام چیست یا اینکه واقعاً مطمئن است در آخرین لحظه یک نفر او را نجات می‌دهد. البته در آن زمانی که حکم اعدام قطعی فاضل خداداد آمده بود، وقتی او را جیدم خیلی عادی با من برخورد کرد و هیچ فرقی با آن ملاقاتی که قبل از محاکمه در زندان او داشتم نکرده بود. خیلی آرام بود، حتی با ما نشست و جای خورد. من احساس کردم به قول و قرار می‌که به او داده بودند و تلفن‌هایی که قبلاً به بستگان به او شده بود که مثلاً نگران نباش، ما کار او را درست می‌کنیم، دلگرم بود. رئیس دادگاه آن زمان به ما تأکید کرد میزان مطالبات بانک را هر چه زودتر اعلام کنید. گفتم چرا، این پاسخ او این بود: «اینگونه احکام اقات دارد». «درباره بانک زنجانی هم قطعاً کسانی دیگر بوده‌اند که تمهیدات انجام این معاملات را برای او فراهم کرده‌اند.

● **یعنی فاضل خداداد فکر می‌کرد ممکن است نگذارند او را اعدام کنند؟**

● **توصیه شما به وکیل بابک زنجانی چیست؟** توصیه من به وکیل او نیست، بلکه به کل دستگاه قضائی است؛ ما به تجربه دریافت‌ایم مجازات سنگین به‌ویژه از نوع اعدام، نه دربرابر فساد، بلکه در جرائم دیگر هم تاکنون نتوانسته است جواب‌گوی نگرانی‌های جامعه، به‌ویژه خود دستگاه قضائی در زمینه کاهش جرم باشد. درباره مبارزه با مواد مخدر که قانون داریم و تشدید هم شده است. نه‌تنها فروش، توزیع، حمل و انتقال آن کاهش نیافته است، بلکه افزایش نیز پیدا کرده است، به همین دلیل، قوه قضائیه محترم اکنون دنبال مجازات‌های قوی‌تر است. درباره فساد هم با اعدام به هیچ نتیجه‌ای نخواهیم رسید. اگر به نتیجه رسیده بودیم، از اولین قربانی که فاضل خداداد بود نتیجه حاصل می‌شد. شما اگر مبالغ اختلاس شده ایشان را با مبالغ اختلاس‌شده کوچک‌تر که بعداً در بانک‌ها هم به وجود آمد، مجموعاً با جمع منابع بانکی، یعنی جمع پول‌هایی که مردم به بانک‌ها سپرده بودند با سپرده‌های امروز مردم، مقایسه کنید آن مبلغ با میزان فسادهای مالی که امروز فقط در بانک‌ها وجود دارد، اصلاً قابل مقایسه نیست. این نشان می‌دهد مجازات سنگین و اعدام افراد جواب‌گو نیست. وانگهی نباید در این‌گونه موارد آن‌قدر ساده بگیریم که متهمان جری‌تر شوند. در کنواسیون بین‌المللی فساد روی پیشگیری و اقدامات پیشگیرانه بسیار تأکید شده است. در همین مسئله بابک زنجانی هیچ توجهی به کسانی که این زمینه را برای او ایجاد کرده‌اند نمی‌شود، ولی در پرونده مه‌آفرید خسروی بسیاری از کسانی که کمترین ارتباط مجرمانه با تخلف اداری کرده بودند مجازات شدند.

من قبلاً در پرونده فروش آهن کس که در یکی از کارخانه‌های دولتی تولید شده بود، وکالت مدیران را داشتم، اعدا شده بود حدود ۵۶ هزار تن آهن کم‌شده، اما با اصرار ما ردیابی شد و در نهایت دادگاه متوجه شد، آهن وارد شده بعد به سنگاپور رفته و از بین نرفته است، پس ۵۶ هزار تن آهن کم نشده بود. در این مورد هم باید بررسی می‌شد که نفت فروخته‌شده، ابتدا به هم کجا رفته و به چه کسی فروخته شده است، بعد از آن تحقیق شود تحویل‌گیرنده، پول را به چه کسی داده است. مهم‌ترین مسئله این است که اگر بابک زنجانی نمی‌تواند جواب بدهد، به این خاطر است که به نظر من بیش از ظرفیت و توانایی‌هایش به او کار داده‌اند. او نه متخصص نفت است و نه در تجارت بین‌المللی دارای تخصص و سابقه است و نه متخصص مسائل ارزی و مالی است. باید ببینیم این همه شرکت که به نام ایشان ثبت یا برداری شده، چگونه تأسیس یا خرید شده است.

متأسفانه در جامعه ما فساد از یک امر اجتماعی که باید قیح عمومی داشته باشد، تبدیل به یک موضوع سیاسی شده است. اگر فساد در یک طرف باشد، طرف دیگر آن را خیلی بزرگ می‌کند و اگر از این طرف باشد، طرف مقابل آن را بزرگ‌تر نشان می‌دهد. همین مسئله باعث شده مردم به مسئله فساد و مبارزه با آن کم‌اعتقاد شوند. به قول آن شاعر معروف «بلا ندیده دعا را شروع باید کرد» علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد.»

روزنه

مرجع نواندیش، آزاده ومستقل

غلامعلی رجایی

● **جمعه‌شب گذشته پس از نماز مغرب و عشا از سوی هیئت اینترگران اصلاح‌طلب مراسم اربعین ارتحال مرجع عالی‌قدر مرحوم آیت‌الله‌العظمی موسوی‌اردبیلی با حضور آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، یادگار امام، فرزند و اعضای دفتر آن مرحوم، اعضای دفتر امام، جمعی از طلاب حوزه علمیه قم و تهران و بعضی دولتمردان و چهره‌های سیاسی و افشار و مختلف مردم در حسینیه جماران برگزار شد. استقبال از این مراسم که رسانه ملی هیچ توجهی به آن نکرد، به‌گونه‌ای بود که بعضی در پشت درهای حسینیه ماندند و امکان ورودشان نبود. مرحوم موسوی‌اردبیلی از معدود یاران امام بود که ضمن اطاعت بی‌چون‌وچرا نسبت به اوامر و دیدگاه‌های ایشان استقلال رای هم داشت که من در جلد چهارم سیره امام‌خمینی که خاطرات مرتبط با نحوه رهبری امام است از قول وی نکات نگزی را بازگو کرده‌ام که نمونه‌اش اینکه یک‌بار که امام گفته بود فلان‌کس را برای فلان‌کار نگذارید با شوخی معناداری به ایشان گفته بود آقا بگذارید خودمان درباره این مسئولیت و فردی که باید عهددهد آن بشود، تصمیم بگیریم! امام هم گفته بودند مائعی ندارد. ایشان می‌گفت وقتی فردی را برخلاف نظر امام گذاشتیم و خوب او را نپذیریم، در ملاقات بعدی با امام ترفندی به خرج دادم و حین ورود به اتاق امام گفتم آقا این‌بار هم حرف شما درست از آب درآمد! آیت‌الله موسوی‌اردبیلی علاقه خاصی به شهید بهشتی داشتند و آن‌گونه که فرزند شهید بهشتی - سیدمحمدرضا - می‌گوید گاه که از آقای بهشتی بادی می‌کردند چشمانشان اشک‌بار می‌شد و می‌گفتند ایشان قرار نبود به این‌زودی با ترک کند و ما را تنها بگذارد. البته این‌ علاقه و باور متقابل بود. چه وقتی امام مسئولیت دیوان‌عالی کشور را به شهید بهشتی سپردند، ایشان پذیرش این مسئولیت را به این امر مشروط کردند، که آیت‌الله موسوی‌اردبیلی اداستان کل کشور باشند و امام هم این شرط را پذیرفت و در چهارم آذرماه سال ۵۸ حکم دادستانی ایشان را صادر نمود. فرزند ایشان حجت‌الاسلام سیدعلی آقا از قول پدر ارجمندشان، می‌گوید: در اوایل سال ۵۸ امام ما را خواست و به افرادی یک سستی را واگذار کرد ولی به بنده چیزی نگفت و چون من مهیا شده بودم که بایام به قم، از این قضیه خیلی خوشحال شدم. امام به آقای بهشتی فرمود که شما بروید به قوه قضائیه، آقای بهشتی گفت: من تنها نمی‌روم، اگر بخوام بروم باید آقای اردبیلی هم با من باشد. امام گفت: پس باهم بروید. من گفتم آقا من اصلاً روحیه کار اجرایی آن‌هم در دادگستری ندارم و برنامه‌ام چیز دیگری است و خودم را مهیا کردم برگردم به قم. او هم فرمایید ما را معاف کنید که به کارمان برسیم. از آنجا که بیرون آمدیم به آقای بهشتی گلابه کردم که چه‌کاری بود شما کردید؟ گفت: من که کاری نکردم. گفتم اگر شما باشید من می‌روم و نباشید نمی‌روم! (ویژه چهلمین روز ارتحال آیت‌الله‌العظمی موسوی‌اردبیلی، روزنامه جمهوری اسلامی: ۲۵) امام هم به سلامت دقت علمی و تقوای ایشان باور زیادی داشت. وقتی در سال ۶۴ یا ۶۵ تصمیم گرفت از مسئولیت خود استعفا دهد نزد امام رفت و استعفا داد؛ اما امام استعفای ایشان را قبول نکردند و به امام می‌گفت وقتی مسئولیت را بپذیرفتم کار‌ها بر زمین مانده و کسی در اطراف‌تان نبود، اما حالا الحمدلله افرادی هستند که می‌توانند کار‌ها را انجام دهند و کار بر روی زمین نمانده است. امام فرمود: من آدمی به‌جز شما ندارم و شما هم باید باشید. می‌گفتند برای بار دوم که خدمت امام رفتم و استعفا دادم باز ایشان قبول نکردند. دفعه سوم که گفتم، فرمودند: این‌قدر این حرف را تکرار نکنید. این را بدانید تا من هستم، شما هم هستید. بگذارید تا وقتی‌که من مُردم آن‌وقت هم حرجا خواستید بروید. (همان، ص ۲۶) نگران این دین بنویسند. مرجعی بود مستقل، همین استقلال وی در نظر و عمل عهده‌های بعضی اشخاص و مراکز را در حیات و پس از ارتحال‌ش متوجه او کرد که در مراسم تشییع وی در شهر مقدس قم نمونه بارز آن دیده شد. در کمال حیرت و تعجب قمی‌ها و شهرهای دیگر و برخلاف رسم معمول تشییع بزرگان حوزه و مراجع از بلندگوهای حرم قرآن پخش شد. نماز بر پیکر این مرجع هم در حالی در حرم اقامه شد که با وجود حضور رئیس‌جمهور، نه در حضور نویت در این مراسم و اجتماع جمع خبری بود و نه تا لحظاتی پس از آغاز نماز به دلیل دیر برقرارشدن سیستم صوتی صحن، برای جمعیت انبوه تشییع‌کننده معلوم شد چه کسی بر پیکر این مرجع نماز می‌گزارد و نه حتی مکبری برای اعلام تکبیر‌های نماز حضور داشت. همان‌گونه که آقای هاشمی هم در صحبت خود اشاره کرد، وقتی امام قبل از پیروزی انقلاب به فکر تأسیس شورای انقلاب افتاد در سفر استاد شهید مطهری به پاریس این مسئله مطرح و موافقت امام جلب شد و پنج نفر را تأیید کردند. مرحوم آقای موسوی‌اردبیلی و شهیدان بهشتی، مطهری، باهنر و هاشمی.**